

تحلیل تربیتی احکام فرزندخواندگی و رحم اجاره‌ای بر هویت نسب

مریم وفادار^۱ و معصومه پناهی^۲

چکیده

قرآن کریم به عنوان منبع هدایت، علاوه بر ارائه اصول اعتقادی، مشتمل بر مجموعه‌ای از آیات الاحکام است که سامان‌دهنده حیات فردی و اجتماعی انسان‌اند. یکی از حوزه‌های مهم در تربیت اسلامی، مسئله هویت‌یابی کودک و نقش «نسب» در آن است. هویت نسبی، از منظر تربیتی، در شکل‌گیری احساس تعلق، امنیت روانی و رشد اخلاقی کودک، نقش بنیادی دارد و هر گونه تغییر یا ابهام در آن می‌تواند مسیرهای تربیتی را تحت تأثیر قرار دهد. مسئله فرزندخواندگی و رحم اجاره‌ای، که امروزه با پیشرفت‌های علمی گسترده‌تر شده، به طور مستقیم بر هویت کودک و ساختار عاطفی خانواده اثر می‌گذارد. هدف این پژوهش تبیین دیدگاه قرآن درباره نسب با تمرکز بر آیات ۴ و ۵ سوره احزاب، استخراج پیامدهای تربیتی آن بر هویت و احساس تعلق کودک و تحلیل تأثیر احکام فقهی فرزندخواندگی و رحم اجاره‌ای بر رشد عاطفی، اخلاقی و دینی است. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و رویکرد تحلیلی - تربیتی انجام شده است. آیات قرآن، روایات و آرای فقیهان بررسی و سپس با مبانی تربیتی تطبیق داده شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد فرزندخواندگی موجب ثبوت نسب شرعی نمی‌شود و برای ایجاد حرمت باید از راه‌های شرعی جایگزین استفاده کرد. در تلقیح مصنوعی با نطفه شوهر، نسب کودک به والدین بیولوژیک باز می‌گردد. در رحم اجاره‌ای نیز تعیین مادر نیازمند تحلیل دقیق شرعی است و نظر اقرب، مادر بودن زن صاحب رحم در صورت تحقق شرایط رضاع است. این احکام، در عین حفظ اصالت نسب، زمینه‌ساز شفافیت هویتی، امنیت روانی و رشد متوازن کودک می‌شوند.

کلید واژه: تحلیل تربیتی، آیات الاحکام، نسب، فرزند خواندگی، رحم اجاره‌ای

۱. هیئت علمی گروه فقه و معارف اسلامی، جامعه المصطفیٰ علیه السلام العالمیه، مشهد مقدس، maryam_vafadar@miu.ac.ir

۲. دانش پژوه مقطع ارشد جامعه المصطفیٰ علیه السلام العالمیه، رشته فقه با گرایش قرآن، mswm۱۴۴۶@gmail.com



مقدمه

جایگاه بنیادین «نسب» در شریعت اسلام به عنوان یکی از اسباب اصلی ایجاد محرمیت و حقوق متقابل، مستلزم بررسی دقیق روش‌های جایگزین انتساب فرزند است؛ به ویژه با توجه به چالش‌های ناشی از تحولات علمی مانند رحم اجاره‌ای. در چنین شرایطی، پرسش مهم آن است که انتساب فرزند در این روش‌ها چگونه باید تبیین شود و چه آثار فقهی، حقوقی و تربیتی بر آن مترتب است؟ اسلام، فرزندخواندگی (تبنی) را که در جاهلیت رایج بود، به صراحت نفی کرده و بر اساس آیات سوره احزاب (۴ و ۵)، این عمل موجب ثبوت نسب شرعی نمی‌شود تا از اختلاط انساب و سردرگمی در هویت فردی جلوگیری شود؛ اگرچه این امر مانع تقویت پیوند عاطفی نیست. این اصل حفظ اصالت نسب برای دفاع از هویت کودک و سلامت نهاد خانواده ضروری است و از این رو، بررسی آن تنها یک بحث فقهی نیست، بلکه از جهت تربیتی نیز اهمیت دارد. بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که بخش عمده آثار موجود، بیشتر بر جنبه‌های فقهی و حقوقی فرزندخواندگی و رحم اجاره‌ای متمرکز بوده‌اند و کم‌تر به پیوند میان این احکام با آثار تربیتی و هویتی کودک توجه شده است. بر این اساس، سؤال اصلی این پژوهش آن است که فرزندخواندگی و رحم اجاره‌ای از منظر فقه اسلامی چه حکمی دارد و این احکام چه آثار تربیتی و هویتی بر کودک و خانواده برجای می‌گذارد؟ در این پژوهش سعی شده است که با روش توصیفی-تحلیلی، از یک سو قاعده قرآنی مربوط به فرزندخواندگی را تبیین کند و از سوی دیگر، این مبانی را در مورد مسئله نوظهور رحم اجاره‌ای نیز مورد کاوش قرار دهد تا از پیامدهای حقوقی و تربیتی خلط مفاهیم ممانعت شود.

مفهوم‌شناسی

۱. فرزندخوانده

اصطلاح فرزندخواندگی در زبان عربی هم‌تراز با «الدَّعِيُّ (دَعَى)» است و به کسی گفته می‌شود که به غیر از پدرش نسبت داده شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۶۱). «التَّبْنَى» از باب تَفَعَّل و از ریشه بنوّه (فرزند) است (مشکینی اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۳۵) که هم به معنای پسر خوانده و هم دختر خوانده به کار می‌رود (مهیار، ۱۳۷۵: ۲۰۷). در اصطلاح عبارت است از این که شخص، فرزند دیگری را به عنوان فرزند خود بپذیرد (یا انتخاب کند). این عمل یکی از عادات و رسوم جاهلیت بود؛ به این صورت که مردی فرزند دیگری را می‌گرفت و او را به عنوان

فرزند خود می‌پذیرفت، دقیقاً مانند فرزند نسبی (فرزندى که از خون اوست) و تمامی احکام و آثار فرزندى را بر او مترتب می‌ساخت (مشکینی اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۳۵).

۲. نسب

نسب به معنای نژاد و خاندان آمده است و در فقه، رابطه و اتصال شخصی به دیگری از طریق ولادت مانند رابطه پسر و پدر و دو برادر است و نسب شرعی را به معنای خویشاوندی طفل نسبت به پدر و مادری است که در حین انعقاد نطفه بین آنان نکاح صحیح (اعم از دائم و موقت) وجود داشته باشد و یا خویشاوندی مذکور را قانون محترم شناخته باشد، مانند نسب حاصل از وطی به شبهه (مروج، ۱۳۷۹: ۵۳۹).

۳. فقه

فقه در اصل به معنای فهم است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۲۹) و در اصطلاح اصولیون و فقهاء، فقه مجموعه‌ای از قوانین، دستورات و امر و نهی‌هایی است که فقیه، از منابع و ادله تفصیلی آن استنباط می‌کند و موضع عملی بندگان را در برابر خالق رقم می‌زند و به او می‌آموزد که چه عکس‌العملی در مقابل مولای حقیقی‌اش داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۷).

۴. تحلیل تربیتی

تحلیل تربیتی از دو واژه تحلیل و تربیت تشکیل شده است. تحلیل در واقع به معنای درک، ارزیابی و خلق مجدد است. اما وقتی که دو واژه در کنار هم قرار گیرند، به معنا و روش خاصی اشاره می‌شود. به نظر می‌رسد این واژه اولین بار در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر تحلیل تربیتی احکام فقهی عرصه‌ای نو در تعلیم و تربیت اسلامی» نوشته «دکتر علی همت بناری» انتشار یافته است (احسانی، ۱۴۰۱: ۸۴). بر طبق این مقاله، تحلیل تربیتی احکام عبارت است از «کوششی عقلانی متکی بر واقعیات برگرفته از قرآن، سنت، عقل، تجربه به منظور بررسی علل، اسرار و حکمت‌های احکام، و نیز ارائه آثار و نتایج تشریع و التزام عملی به احکام فقهی با رویکرد تربیتی است (همت بناری، ۱۳۸۱: ۳۸).

۵. رحم اجاره‌ای

رحم اجاره، رحم قراردادی است که به موجب آن زنی فایده‌ای از فواید رحم خود را در اختیار دیگری قرار می‌دهد تا جنین تکون‌یافته از اسپرم و تخمک زن و مردی، در آن پرورش



یابد. البته همیشه اجاره نیست؛ گاهی ممکن است معوض باشد و گاهی غیر معوض باشد که اگر غیر معوض باشد می‌توان تعبیر به عاریه‌ی رحم کرد (پور آذر و خاکزاد، ۱۳۹۲: ۳).

بررسی فرزندخواندگی در آیه ۴ و ۵ سوره احزاب

در جاهلیت، بر فرزندخوانده، آثار نسب را اجرا می‌نمودند؛ از قبیل ارث و حرمت ازدواج با همسر فرزند خوانده. آیه مورد بحث این سنت جاهلی را لغو نمود و پیامبر ﷺ که خود صاحب فرزند خوانده بودند، نخستین کسی شدند که فرزندخواندگی زید را لغو و با همسر قبلی وی ازدواج نمود تا راه برای دیگران بازگردد و این مانع از سر راه ازدواج مشروع برداشته شود (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۳۶۰). خداوند در آیه ۴ و ۵ سوره احزاب چنین می‌فرماید: «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمْ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ؛ ادْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخوانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً (احزاب/ ۴ و ۵)؛ خدا برای هیچ مردی در درونش دو قلب قرار نداده، و همسران تان را که همواره با آنان «ظهار» می‌کنید [یعنی بر پایه فرهنگ جاهلی با خواندن صیغه‌ای خاص آنان را به منزله مادران تان به شمار آورده بر خود حرام می‌نماید] مادران شما نگردانیده، و پسر خواندگان تان را پسران [واقعی] شما ننموده است. این سخن [باطل و بی پایه] شماس است که به زبان شما [جاری] است، و خدا همواره حق را می‌گوید، و همواره راه راست [درست و راست که شما را به سعادت می‌رساند] می‌نمایاند. پسر خواندگان تان را به نام پدران شان بخوانید که این نزد خدا عادلانه‌تر است؛ و اگر پدران شان را نمی‌شناسید، پس برادران و دوستان دینی شمایند. و بر شما در آن چه [از انتساب هایی] که به خطا انجام داده‌اید، گناهی نیست؛ ولی آن چه را که دل‌هایتان تعدد و قصد جدی داشته است [گناه است]؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است»؛

فقه‌ها، با تبعیت از نص قرآنی، تأکید می‌کنند که صرف «فرزند خواندن» هیچ‌گونه حریم شرعی ایجاد نمی‌کند. با این وجود، برای ایجاد رابطه حریمت یا بهره‌مندی از حقوقی که حریمت ایجاد می‌کند، باید از راه‌های جایگزین شرعی که شارع مقرر داشته است، استفاده شود. به طور مثال در کتاب استفتائات آیت الله مکارم شیرازی (سؤال ۷۲۳) چنین سوال شده که «گاهی افرادی که صاحب فرزند نمی‌شوند، دختری از پرورشگاه می‌گیرند، آیا راهی برای محرم شدن او بر پدر

خوانده وجود دارد؟» و ایشان چنین پاسخ می‌دهند که «هرگاه آن مرد پدری داشته باشد و این دختر به ازدواج موقت او درآید بر این مرد و فرزندان او محرم می‌شود و اگر پسرانی از همسر دیگر دارد صیغه موقت دختر را برای خودش بخواند تا برای پسرانش محرم شود ولی در این صورت نسبت به خودش بعد از پایان مدت عقد موقت، محرم نخواهد بود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۱۴).

امام خمینی در پاسخ به این سؤال که اگر زن و شوهر مسلمانی طفل شیرخوار پسر و دختری را به فرزندی قبول نمایند، شرعاً این بچه‌ها فرزند آن‌ها می‌شوند یا خیر؟ چنین می‌فرماید: «شرعاً فرزند آن‌ها محسوب نیست و آثار فرزندی مترتب نمی‌شود» (خمینی، ۱۳۹۲: ۱۲۰). آقای گلپایگانی نیز چنین پاسخ می‌دهد: «فرزند خوانده شرعاً فرزند محسوب نمی‌شود و صرف بزرگ کردن و اداره آن‌ها موجب حریمیت نمی‌گردد و ارث هم نمی‌برد، بلی اگر آن‌ها کبیر شده بودند و پدرخوانده در زمان حیات خود بخشی از مال خود را به آن‌ها، در زمان کبر بخشیده و به تصرف آن‌ها داده باشد، متعلق به خود آن‌ها است و از ترکه متوفی جدا است و ورثه به آن حقی ندارند (گلپایگانی، بی‌تا: ۲۲۹).

بررسی فلسفه و آثار فرزندخواندگی در آیه ۴ و ۵ سوره احزاب

بر پایه تفاسیر، فلسفه حرمت این حکم نیز بر حفظ اصالت نسب و حقوق در روابط خانوادگی و اجتماعی و جلوگیری از اختلاط نسب‌ها استوار است که در ادامه بیان می‌گردد.

۱. حفظ اصالت نسب و حقوق در روابط خانوادگی و اجتماعی

حفظ اصالت نسب در روابط خانوادگی و اجتماعی از اصول بنیادین نظام ارزشی اسلام است؛ زیرا سلامت ساختار خانواده، شفافیت هویت فردی و اعتماد اجتماعی به طور مستقیم به آن وابسته است. هنگامی که مرزهای حقیقی نسب حفظ شود، حقوق و تکالیف افراد در چارچوب مشخص خود معنا پیدا می‌کند و از بروز اختلاط، سوءتفاهم و بی‌نظمی در روابط انسانی جلوگیری می‌شود. این اصل نه تنها جنبه حقوقی دارد، بلکه پشتوانه اخلاقی و فرهنگی جامعه نیز به شمار می‌رود.

در آیه ۴ سوره احزاب قسمت «وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ» (احزاب/۴)، کلمه «ادعیاء» جمع دعی به معنای پسر خوانده است و در جاهلیت این عمل «دعاء» و «تبنی» در بین‌شان دائر و معمول بوده است و همچنین در بین امتهای مرفعی



آن روز مانند روم و فارس که وقتی کودکی را پسر خود می‌خواندند، احکام فرزند صلیبی را در حق او اجراء می‌کردند؛ یعنی اگر دختر بود، ازدواج با او را حرام می‌دانستند، و چون پدرخوانده می‌مرد، به او نیز مانند سایر فرزندان ارث می‌دادند و همچنین سایر احکام پدر و فرزندی را در باره او اجراء می‌کردند و اسلام این عمل را نیز لغو کرد (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۴۱۱).

قرآن می‌فرماید: «ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ» آنان را به نام پدرانشان بخوانید؛ چراکه عرب‌ها، بعد از پذیرفتن فرزندخوانده‌ها، آنان را به نام خود می‌نامیدند. برای نمونه، اگر کسی زید فرزند بکر بود و سعد او را به فرزندی پذیرفته بود، از آن پس به جای زیدبن بکر، او را زیدبن سعد می‌نامیدند. آیه، از مؤمنان می‌خواهد تا هم‌چنان او را به نام پدر واقعی‌اش نامیده و نام پدرش را از هویت او جدا نکنند (بروجردی، ۱۳۹۷: ۳۴۰). این آیه دلالت دارد بر این‌که، انتساب به غیر پدر، جایز نیست و در سنت و اخبار صحیح‌ه از حضرت رسول ﷺ وارد شده که آن حضرت ﷺ فرمودند: «مَنْ اِتَّسَبَ اِلَى غَيْرِ اَبِيهِ اَوْ اُنْتَمَى اِلَى غَيْرِ مَوَالِيهِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ؛ لعنت خدا بر کسی که خود را به غیر پدرش نسبت دهد و یا غیر موالی خود را دوست داشته و قصد نماید (یعنی غاصبین حقوق و ظالمین آل محمد ﷺ را دوست بدارد)» (طبرسی، بی‌تا: ۵۲۸) و همچنین در کتاب کافی حدیثی بدین مضمون آمده است: «مَنْ ادَّعَى اِلَى غَيْرِ اَبِيهِ فَهُوَ كَافِرٌ بِمَا اَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ ادَّعَى اِلَى غَيْرِ مَوَالِيهِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ؛ هر کس خود را به غیر از پدرش نسبت دهد (ادعای نسب کند)، به آن چه خداوند عز و جل نازل کرده کافر است؛ و هر کس خود را به غیر از موالی خود نسبت دهد (یعنی کسانی که به آنها وابسته یا منسوب است، غیر از پدر حقیقی)، لعنت خدا بر او باد» (کلینی، ۱۳۶۹: ۷/ ۲۷۵).

«رد پدیده فرزندخواندگی نمونه‌ای است برای سروسامان دادن به نظام اسلامی و استوار داشتن بنیان‌های آن. این بیان همان امر حقی است که در انتهای آیه آمده است «وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَ هُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ (احزاب: ۴)»» (دست‌رنج، ۱۳۹۹: ۱۱۷).

سخن حق آن است که با واقعیت و یکی از زمان‌های سه‌گانه (گذشته، حال، آینده) مطابق باشد. اگر سخن درباره گذشته یا حال مطابق با واقع باشد، صدق است؛ و اگر درباره آینده باشد، تنها در صورتی حق است که گوینده معصوم و صادق باشد. سخن خدا «وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ» نیز به این معناست که گفتار الهی هم مطابق حقیقت است و هم با مصلحت واقعی سازگار بوده، بنابراین اثرگذار و هدایت‌گر است. در نتیجه، خداوند هم حقیقت و هدف را بیان می‌کند و هم راه رسیدن به آن را، پس کسی نمی‌تواند بگوید حقیقت را می‌داند اما راه را نه، زیرا هر دو از سوی خدا روشن شده‌اند (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۴۹۵).

۲. جلوگیری از اختلاط انساب و حفظ شفافیت حقوقی

یکی ندانستن دو نهاد فرزندخواندگی و فرزندى، سبب خواهد شد که انساب و اختلاط آن‌ها که قطعاً انحرافات و مفاسد اخلاقی و اجتماعی متعددی را به دنبال خواهد داشت، ضایع نگردد و نیز از دوگانگی در امر تربیت جلوگیری شود؛ لذا خداوند در آیه «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمْ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ» ضمن آن که با صراحت، فرزندخواندگی را از اسباب فرزندى و تحقق نسب برنشموده، با عبارت «وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ» این تفکیک را موجب هدایت به راه راست و جلوگیری از انحرافی دانسته است که طبیعتاً از اختلاط انساب به وجود می‌آید.

به عقیده برخی از مفسران، جمله «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ» در تعلیل مسائلی از جمله فرزندخواندگی است؛ به این معنا که فرزند قرار دادن شخصی که فرزندخوانده او هست، جمع میان دو متنافی و اصیل با غیر اصیل است که با هم جمع می‌شوند (زمخشری، ۱۳۸۹: ۷۱۲)؛ یعنی همان‌گونه که خداوند در یک بدن، دو قلب قرار نداده، پسر یک نفر را پسر شخص دیگری قرار نداده است (طبرسی، بی‌تا: ۱۰)؛ بنابراین، آیه مذکور احتمالاً به این مطلب اشاره دارد که جمع دو عنوان فرزندى و فرزندخواندگی در یک شخص، موجب دوگانگی در امر تربیت می‌شود؛ از یک سو فرزند واقعی تصور کردن او، آثار و احکام مخصوص به خود را دارد و در مقابل، فرزندخوانده بودنش نیز، آثار متفاوتی را در پی خواهد داشت که این خود، باعث سردرگمی در نوع رفتار با او و نحوه تربیتش خواهد شد.

همان‌طور که خداوند می‌فرماید که اگر پدران واقعی آن‌ها را نمی‌شناسید، عادلانه‌تر آن است که آن‌ها را برادر من یا مولای من بخوانید و از نسبت دادن آن‌ها به غیر پدران شرعی خود خودداری کنید؛ این بیان شریف به روابط جنسی و دودمان آشفته‌ای اشاره دارد که مشخصه جامعه پیش از اسلام بود. اسلام همه این‌ها را با تشکیل خانواده نیکو که بر پایه پاکی و پاکدامنی بنا شده و امور را در جای خود قرارداده، پرداخته است (طنطاوی، ۱۹۷۷: ۱۷۴)؛ بر همین است که احکام و آثار نسب بر فرزندخوانده مترتب نمی‌شود تا از اختلاط انساب جلوگیری شود. این اختلاط می‌تواند مفاسد زیادی در پی داشته باشد که هر یک برای حکم به حرمت فرزندخواندگی کافی است.



۳. حفظ هویت واقعی

بحث حقوق کودک، یکی از نظام‌های پیشرفته حقوقی در اسلام است. پیش از آن که حقوق والدین و کودکان در تزاخم با هم قرار گیرند، به والدین گوشزد می‌نماید که طفل از حقوقی ویژه برخوردار است؛ پس والدین نمی‌توانند به صلاحدید خود منافع خویش را بر منافع کودکان خود مقدم دارند. از جمله مباحث مربوط به حقوق کودک، بحث هویت اوست که اسلام با این قوانین ویژه خود مانع از هتک حرمت و تجاوز به این حق شده است (معینی فر، ۱۳۹۱)؛ با این حال، ممکن است در آینده فرزندخوانده هنگام آگاهی از والدین واقعی خود، با نوعی بحران هویت و آشفتگی روانی روبه‌رو گردد. این تعارض میان والدین حقیقی و والدین پرورش‌دهنده، نیازمند برخوردی حکیمانه و تربیتی است تا از آسیب‌های عاطفی احتمالی پیشگیری شود. در این مسیر، آموزه‌های الهی به انسان یادآوری می‌کنند که حقیقت همیشه با خیر و مصلحت موجود در نظام خانواده و جامعه هماهنگ است. خداوند راه را در قالب نظام‌های انسانی - از جمله خانواده - برای تضمین سعادت انسان‌ها روشن ساخته است. پس شایسته است که انسان، به هدایت الهی پایبند باشد، از گفتارهای باطل و گمراه‌کننده دوری کند و زندگی خویش را بر اساس محبت، صداقت و آرامش بنا نهد. روایات معصومین علیهم‌السلام بیان کرده‌اند که نفی نسب حقیقی و نسبت دادن فرزند به غیر پدر واقعی، به منزله کفر به خدا است (حرعاملی، ۱۲۹۱: ۲۹۰). چرا که شاید قوله الحق را زیر پای گذاشته‌اند و کسی که فرزند دیگری را به خود نسبت دهد و نسب واقعی او را نفی کند، مرتکب عملی حرام شده است (حرعاملی، ۱۲۹۱: ۲۹۰). در نتیجه، پنهان کردن هویت واقعی کودک ممکن نیست؛ زیرا یکی از حقوق اساسی فرزند آن است که نسب و هویت او شفاف و روشن باشد. قرآن نیز این حق را با تأکید فراوان یاد کرده و آن را از مسائل مهم در حفظ عدالت و سلامت خانواده می‌داند.

نسب رحم اجاره

تعیین پدر و مادر کودک حاصل از تلقیح مصنوعی، اگر در شرع اسلام تعریف خاصی برای «نَسَب» وجود داشته باشد، باید بر اساس آن عمل کرد و رجوع به عرف جایز نیست. اما اگر شرع معنای ویژه‌ای برای نسب تعیین نکرده باشد، باید به معنای عرفی آن مراجعه نمود. بنابراین، پیش از تعیین نسب چنین فرزندی، باید بررسی کرد آیا اسلام برای نسب، معنای شرعی خاصی مقرر کرده یا نه؟ دو دیدگاه درباره معنای نسب وجود دارد:

۱. **دیدگاه اول:** نسب معنای شرعی خاصی ندارد، پس باید به عرف رجوع کرد که صاحب نطفه و تخمک را پدر و مادر کودک می‌داند؛

۲. **دیدگاه دوم:** نسب دارای معنای شرعی است و بر اساس قواعدی مانند «الولد للفراس» تعیین می‌شود، بنابراین در تلقیح مصنوعی نباید به عرف بلکه به شرع مقدس برای تشخیص نسب مراجعه کرد (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶: ۲۹۲).

بر اساس استفتائات فقها، تلقیح مصنوعی زن با نطفه شوهرش جایز است، مشروط بر پرهیز از مقدمات حرام (مانند دخالت نامحرم). این عمل موجب حرمت نطفه یا فرزند نمی‌شود و کودک متعلق به زن و مرد صاحب نطفه است. در صورت استفاده از رحم اجاره‌ای، فرزند به زن صاحب تخمک تعلق دارد و زن صاحب رحم، تنها در صورت شیردادن با تحقق شرایط رضاع، مادر رضاعی کودک محسوب می‌شود (نکونام، ۱۳۸۶: ۶۱). در واقع در مورد مادر جانشین، سه نظریه مختلف وجود دارد:

۱. نظریه کسانی که او را مادر حقیقی می‌دانند؛
۲. نظریه کسانی که او را به کلی بیگانه با فرزند مورد بحث می‌پندارند؛
۳. نظریه کسانی که دو نظر فوق را در طرف افراط و تفریط می‌دانند و می‌گویند: فرزند نسبت به مادر جانشین در حکم ولد رضاعی است نه واقعی و هذا هو الحق، بنابراین، احکام محرمیت بر آن زن و بستگانش جاری می‌شود و نسبت به شوهر مادر جانشین حکم ربیبه رضاعی را دارد، هرگاه معتقد باشیم ربیبه رضاعی حکم ربیبه واقعی را دارد بر آن مرد نیز محرم خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴: ۶۱).

بررسی فلسفه و آثار رحم اجاره‌ای و نسب

رحم اجاره‌ای نه تنها یک راهکار پزشکی، بلکه یک الگوی اخلاقی مبتنی بر ایثار و اختیار تلقی می‌شود. در اینجا دو محور اصلی فلسفی و پیامدهای مثبت رحم اجاره‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. تداوم نسل آدمی و امتداد وجودی شخص

یکی از خواسته‌های غریزی انسان، نیاز فطری به پدر و مادر شدن شمرده شده و پاسخ به این خواسته با ازدواج و داشتن فرزند تأمین می‌شود؛ زیرا اصل تولید و



تکثیر، از راه‌های غیر مشروع نیز ممکن است؛ ولی در سایه ازدواج، نسلی دارای اصل و نسب پدید می‌آید. شواهد تاریخی و بررسی‌های جامعه‌شناسی هم نشان می‌دهد که در همه جوامع و ادیان، انتساب به والدین و اجداد موجب آرامش دل و کرامت انسانی است (اعرافی، ۱۴۰۱: ۱۲۹). اگر چه این از کارکردهای ازدواج می‌باشد، ولی در چارچوب تلاش برای حفظ نهاد خانواده و تحقق آرزوی فرزندآوری، (رحم اجاره‌ای) **به‌عنوان** یک راهکار تخصصی مطرح می‌شود. این روش به زوج‌هایی این امکان را می‌دهد که علی‌رغم عدم توانایی در بارداری، از طریق ژنتیک خود صاحب فرزند شوند و از وابستگی به مسیرهایی نظیر فرزندخواندگی اجتناب ورزند. اهمیت این راهکار در تضمین تداوم نسل و تحقق پیوند بیولوژیکی والدینی است، امری که در صورت عدم موفقیت در روش‌های معمول زایمان، می‌تواند موجب خلل در بنیان این خواسته بنیادین گردد.

۲. کاهش فشارهای روانی ناباروری و پیامدهای تربیتی آن

ناباروری، افزون بر چالش‌های جسمی، پیامدهای عمیق روانی و عاطفی برای زوجین به همراه دارد که می‌تواند بر روابط خانوادگی و فضای تربیتی خانه اثر منفی بگذارد. احساس ناکامی، اضطراب، کاهش عزت‌نفس و تنش‌های زناشویی از جمله پیامدهایی است که در صورت تداوم، بنیان عاطفی خانواده را تضعیف می‌کند و محیط تربیت کودک را با اختلال مواجه می‌سازد. در این میان، رحم جایگزین - در چارچوب ضوابط شرعی - می‌تواند به‌عنوان راهکاری برای کاهش فشارهای روانی ناشی از ناباروری مطرح شود. هنگامی که زوجین از بن‌بست عاطفی و نگرانی‌های مستمر رهایی می‌یابند، ثبات هیجانی و آرامش بیشتری در خانواده شکل می‌گیرد. این آرامش، بستر مناسبی برای شکل‌گیری دل‌بستگی ایمن میان والدین و کودک فراهم می‌آورد و فرآیند تربیت را در فضایی مبتنی بر محبت، پذیرش و امید سامان می‌دهد. از منظر تربیتی، سلامت روان والدین یکی از پیش‌شرط‌های اساسی رشد متعادل کودک است. بنابراین، هر سازوکاری که بتواند تنش‌های عاطفی مزمن را کاهش داده و پیوند زوجین را تقویت کند، به طور غیرمستقیم در ارتقای کیفیت تربیت فرزند نقش‌آفرین خواهد بود. البته این کارکرد مثبت زمانی محقق می‌شود که شفافیت نسب، صداقت در اطلاع‌رسانی و رعایت موازین اخلاقی و شرعی به طور



کامل مورد توجه قرار گیرد، تا آرامش روانی والدین با امنیت هویتی کودک همراه باشد.

۳. راهکاری نوین در خدمت پویایی و رشد جمعیت

لقاح مصنوعی به‌عنوان یک روش کمک‌باروری، نقشی حیاتی در یاری رساندن به خانواده‌هایی ایفا می‌کند که با معضل ناباروری روبرو هستند. این فناوری، با فراهم آوردن امکان فرزندآوری، به طور مستقیم به افزایش نرخ باروری و رشد جمعیت کمک کرده و اهداف متعالی اسلام در زمینه تکثیر نسل را محقق می‌سازد. از سوی دیگر، جامعه با دو چالش مهم مواجه است: ناباروری و تمایل برخی والدین به سقط جنین (به دلایل گوناگون). این دو پدیده، به ویژه در میان جوامع شیعی، خطری جدی برای کاهش نیروی انسانی و تضعیف بنیان خانواده محسوب می‌شود. در این میان، بیانیه مجمع فقهی اسلامی دیدگاهی روشن و قاطع ارائه می‌دهد: شریعت اسلام، فزونی نسل مسلمانان را تشویق نموده و هرگونه تحدید نسل یا جلوگیری از بارداری (به خصوص با انگیزه ترس از فقر) را مخالف فطرت انسانی، تعالیم اسلامی و عملی جاهلانه و نشانه بدگمانی به خداوند متعال می‌داند. این مجمع با تأکید بر این‌که جلوگیری از افزایش جمعیت مسلمانان می‌تواند نیرنگی استعماری برای تضعیف کشورهای اسلامی و بهره‌برداری از منابع آنان باشد، تحدید نسل را مطلقاً جایز نمی‌شمارد و جلوگیری از آبستنی با ترس از فقر را حرام اعلام کرده است (دفتر تبلیغات، ۱۳۸۴: ۲۵۴).

با توجه به این دیدگاه فقهی و ضرورت‌های اجتماعی، لقاح مصنوعی نه تنها ابزاری مشروع برای فرزندآوری خانواده‌های نابارور است، بلکه به‌عنوان راهکاری فعال، در جهت مقابله با تحدید نسل و کاهش سقط جنین عمل می‌کند. این روش، گامی عملی در راستای تقویت نیروی انسانی جوامع اسلامی و پاسخی مستدل به چالش‌های جمعیتی امروز است.

۴. موانع پزشکی بارداری

بیماری‌های زنان از جمله بیماری‌های رو به گسترش در جامعه ما و جامعه جهانی است. تعداد زنان مراجعه کننده به پزشک بیشتر از مردان و درصد بالایی از آنان از بیماری‌های رحم شکایت دارند. همان گونه که ذکر شد کارکرد رحم به‌عنوان یکی از اعضای اصلی بدن بر همه اعضاء تأثیر گذار بوده و هر چه دقیق‌تر و سالم‌تر کار کند، دیگر اعضا را نیز به سوی سلامتی سوق می‌دهد. دفع خون‌های آلوده از طریق رحم، یکی از عوامل مؤثر در تأمین سلامتی بانوان



است. این خون‌ریزی باعث شادابی، آرامش و سلامت اعضای دیگر می‌شود و عدم کارکرد به موقع نیز، بیماری‌های گوناگونی را ایجاد می‌نماید. تومورهای مغزی، غدد پستان، سرطان رحم و پستان، سرگیجه، غش، سردرد، بعضی از آرتروزها، سوزش و داغ شدن پا ممکن است حاصل خراب‌کاری‌های زهدان (رحم) باشد. هنوز مبحث ارتباط عمیق زهدان و دستگاه جنسی با بیماری‌های روحی و روانی به طور جدی مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است، در حالی که افسردگی‌ها و بیماری‌های روح و روانی با کارکرد رحم ارتباط مستقیم داشته و شادی و سرور روح از این طریق تأمین می‌گردد (موسوی، ۱۳۹۰: ۴۱/۱).

برخی بیماری‌ها در زنان، شرایط بارداری درون رحم را مختل می‌کنند، مانند زمانی که به چسبندگی شدید لگنی یا چسبندگی شدید رحم دچار هستند، امکان بارداری درون رحم را ندارند. همچنین اگر به هر دلیل رحم قابلیت جایگزینی جنین در دیواره را نداشته باشد، بارداری موفق نخواهد بود. برای مثال زنانی که در آن‌ها قطر اندومتر یا دیواره داخلی رحم بسیار کم باشد. برخی زنان نیز به علت بیماری‌های دیگر توانایی بارداری را ندارند و بارداری می‌تواند برای سلامتی‌شان و جنین خطرناک باشد. با چنین مشکلاتی، پزشکان استفاده از رحم اجاره‌ای را توصیه می‌کنند. (رحم اجاره‌ای / <https://doctormarjani.com>).

به‌طور خلاصه، رحم جایگزین در مواجهه با بیماری‌های رحمی شدید، ضمن کاهش فشار روانی والدین، زمینه‌ساز آرامش عاطفی و ایجاد فضای تربیتی سالم برای کودک است؛ فضایی که بدون رفع موانع پزشکی و پیامدهای روانی آن، دستیابی به آن دشوار خواهد بود.

نتیجه‌گیری

بررسی آیات قرآن کریم و تحلیل مبانی فقه اسلامی نشان داد که «نسب» در شریعت اسلام، صرفاً یک رابطه حقوقی نیست، بلکه بنیانی هویتی، تربیتی و اجتماعی دارد که آثار آن در تمامی ابعاد زندگی فرد و خانواده نمود می‌یابد. نفی فرزندخواندگی به معنای الحاق نسبی، بر اساس آیات ۴ و ۵ سوره احزاب، در راستای صیانت از اصالت نسب و جلوگیری از اختلاط انساب تشریع شده است؛ حکمی که افزون بر حفظ نظم حقوقی، به تثبیت هویت فردی کودک، پیشگیری از سردرگمی شخصیتی و تأمین امنیت روانی او کمک می‌کند. در عین حال، این نفی نسبی، مانع ایجاد پیوند عاطفی و حمایت اخلاقی از کودک نیست و اسلام میان «محبت و سرپرستی» با «انتساب نسبی» تفکیک قائل شده است. در مسئله نوپدید رحم جایگزین، نیز روشن شد که تعیین نسب کودک نیازمند اتکاء به ضوابط شرعی و تحلیل دقیق ادله فقهی



است و نمی‌توان آن را صرفاً بر پایه عرف یا ملاحظات عاطفی تبیین کرد. اختلاف دیدگاه‌ها درباره تعیین مادر نسبی کودک، بیان‌گر پیچیدگی موضوع و لزوم احتیاط در حفظ مرزهای مفهومی نسب است. در تلقیح مصنوعی با نطفه شوهر، در صورت اجتناب از مقدمات حرام، نسب کودک به والدین بیولوژیک ملحق می‌شود و از این جهت، مشکل اختلاط نسب پدید نمی‌آید. در مجموع، معیار اساسی در همه این موارد، جلوگیری از خلط انساب و حفظ شفافیت هویتی کودک است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که احکام مرتبط با نسب، افزون بر بُعد فقهی و حقوقی، کارکردی پیش‌گیرانه در حوزه تربیت دارند و نقش مهمی در شکل‌گیری احساس تعلق، کرامت فردی، ثبات عاطفی و استحکام نهاد خانواده ایفا می‌کنند. از این‌رو، هرگونه سیاست‌گذاری یا قانون‌گذاری در زمینه روش‌های نوین باروری و سرپرستی کودکان باید با توجه هم‌زمان به مبانی شرعی و پیامدهای هویتی و تربیتی صورت گیرد تا ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور جامعه، از آسیب‌های احتمالی به ساختار خانواده و شخصیت کودک جلوگیری شود.



منابع

قرآن کریم

کتاب

- ابن منظور الأنصاری الرویفی الإفريقي، جمال الدين (۱۴۱۴)، لسان العرب، بيروت: دار صادر.
- اعرافى، علیرضا (۱۴۰۱)، اصول روابط خانواده، قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
- بروجردی، مصطفی (۱۳۹۷)، تفسیر شمس، قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۱)، تسنیم تفسیر القرآن، قم: مرکز نشر اسراء.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۲۷۱)، وسائل الشیعه، تهران: دارالاحیاء التراث العربی.
- خمینی، روح الله (۱۳۹۲)، استفتائات (امام)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- دسترنج، فاطمه (۱۳۹۹)، کاربست تحلیل گفتمان در نظریه پیوستگی سوره در سوره احزاب با محوریت تفسیر المیزان و فی ظلال القرآن، اراک: دانشگاه اراک.
- زمخشری، محمود بن عمر بن محمد (۱۳۸۹)، تفسیر کشاف، ترجمه مسعود انصاری، تهران: ققنوس.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۸)، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: موسوی، محمد باقر، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (بی تا)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، مترجم: نوری همدانی، حسین، تهران: فراهانی.
- طنطاوی، محمد سید (۱۹۹۷)، تفسیر الوسیط القرآن، (طنطاوی)، قاهره: مصر.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲)، آیات الاحکام، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی.
- فاضل لنکرانی، محمد جواد (۱۳۹۶)، مکاسب محرمة (لنکرانی)، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، اصول کافی، قم: انتشارات دارالتعارف للمطبوعات.
- گلپایگانی، محمد رضا (بی تا)، مجمع المسائل، قم: دارالقرآن الکریم.
- مروج، حسین (۱۳۷۹)، اصطلاحات فقهی، قم: بخشایش.
- مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۹۲)، المصطلحات الفقه، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث.
- سازمان چاپ و نشر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵)، دائرة المعارف فقه مقارن، قم: مدرسه الام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۴)، مشکلات مهم تلقیح مصنوعی، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام.



مهیار، رضا (۱۳۷۵)، فرهنگ اجدی، تهران: ناشر اسلامی.
 موسوی، محمد (۱۳۹۰)، درمان بیماری‌های زنان و زایمان مقایسه‌ای بین طب غربی و ایرانی
 از دیدگاه طب ایرانی (سنتی)، تهران: زعیم.
 نکونام، محمدرضا (۱۳۸۶)، احکام پزشکی، قم: ظهور شفق.
 دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی (۱۳۸۴)، مسائل مستحدثه پزشکی ۱/ (تلقیح، فسخ
 نکاح، کالبدشکافی، سقط جنین، پیوند اعضا)، قم: بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات
 اسلامی حوزه علیّه قم).

مقالات

احسانی، محمد (تابستان ۱۴۰۱)، تحلیل تربیتی احکام فقهی زن و خانواده از منظر آیت الله
 محسنی ره، دو فصلنامه فقهی خانواده در آیینه فقه.
 همت بناری، علی (شهریور ۱۳۸۱)، نگاهی به تعامل فقه و تربیت با تاکید بر نقش فقه در
 تربیت، مجله معرفت.
 پورآذر و خاکزاد، نیره و صیاد، بررسی فقهی حقوقی مشروعیت نسب از طریق رحم اجاره‌ای و
 صاحبان او (در پرتو قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).
 معینی‌فر، محدثه (بهار و تابستان ۱۳۹۱)، بررسی حق کودک بر هویت در اسلام و اسناد بین
 المللی، مجله فقه و حقوق خانواده، شماره ۵۶.

سایت

رحم اجاره‌ای / <https://doctormarjani.com>